

14) رواق اندیشه : فطرت و شخصیت 3. ادله اثبات فطرت

به دو دلیل برای اثبات فطرت اشاره می‌کنیم: 1-2. درون کاوی و مطالعه حالات روانی / گرایش های فطری از روح و جان انسان سرچشمه گرفته است و از پدیده های روانی او می‌باشد. نزدیک ترین راه شناخت، مطالعه کتاب نفس و دقت در حالات روحی انسان است. انسان وقتی به حالات درونی، ضمیر و روان خود با توجه می‌نگرد، می‌یابد که حقیقت جو و خیر خواه است، کمال جویی را می‌پسندد و خیر خواهی را ستایش می‌کند. او به علم حضوری این را درک می‌کند؛ این ...

14) رواق اندیشه : فطرت و شخصیت 3. ادله اثبات فطرت

2. ادله اثبات فطرت

به دو دلیل برای اثبات فطرت اشاره می‌کنیم:

1-2. درون کاوی و مطالعه حالات روانی

گرایش های فطری از روح و جان انسان سرچشمه گرفته است و از پدیده های روانی او می‌باشد. نزدیک ترین راه شناخت، مطالعه کتاب نفس و دقت در حالات روحی انسان است. انسان وقتی به حالات درونی، ضمیر و روان خود با توجه می‌نگرد، می‌یابد که حقیقت جو و خیر خواه است، کمال جویی را می‌پسندد و خیر خواهی را ستایش می‌کند. او به علم حضوری این را درک می‌کند؛ این نحوه از وجود با چنین احساساتی را فطرت می‌نامند.

این استدلال یک تجربه شخصی است و نتیجه آن را نمی‌توان در قالب یک استدلال منطقی ریخت و در مقام اقتناع یا افهام به آن استناد جست؛ لیکن آنچه می‌تواند رهگشا باشد، یاد آوری شواهد و نشانه هایی است که بر وجود چنین گرایش های فطری در وجود نوع انسان ها دلالت می‌کنند، مانند این که می‌بینیم افراد بشر در شرایط عادی که نه انتظار سودی است و نه احتمال زبانی، علم را می‌ستایند و عالمان را تکریم می‌کنند؛ یا در گفتار و رفتار انسان می‌یابیم که پیوسته کمال مطلق را جویا بوده و در هر درجه از کمال مراتب بالاتری را خواهان است.

2-2. رجوع به آراء روان شناسان

در روان شناسی تجربی حالات روانی (نفسانیات) اموری مسلم گرفته شده است. آنان تمایلات غریزی و فطری انسان را به سه دسته شخصی، اجتماعی و عالی تقسیم کرده اند: 1- تمایلات شخصی خود دوستی، تمایلاتی است که طبق آن شخص به دنبال خیر و صلاح خود است. تمایلات اجتماعی، تمایلاتی است که احساس نوعی علاقه و دلبستگی را نسبت به هم نوعان خود موجب می‌شود. اموری چون محبت و دوستی خانوادگی، میهن دوستی و الگوپذیری از این دسته اند. تمایلات عالی اموری مانند حقیقت جویی، زیبایی دوستی و حس دینی می‌باشد.

رجوع به نظریه های روان شناسان، بدون لحاظ دلیل آن، ارزش علمی ندارد، مگر آنکه مورد اتفاق همه روان شناسان باشد که از این اتفاق نوعی اطمینان حاصل می‌شود. از مجموع این ادله استفاده می‌شود که فطرت در همه انسان ها وجود دارد. با دقت در آراء روان شناسان و عملکرد آن ها در روانکاوی هر فرد جدایی از دیگری و آنچه ما در زندگی اجتماعی می‌بینیم، تفاوت انسان ها در بهرمندی از فطرت را می‌یابیم که به عامل این تفاوت اشاره خواهیم کرد.

1. ر.ک: ژان استوتزل، پیشین، ص 197.

محمد کریمی